

## عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام

● دکتر حبیب الله طاهری

### مقدمه

انسان در طول تاریخ، هیچ گاه از اندیشه و رؤیای «به زیستن» فارغ نبوده و نگاه او همواره برای یافتن آینده‌ای بهتر و سامان یافته‌تر، دوخته شده است. با آن که زورمداران و استضعاف‌گران، همیشه مخالفان رژیم خود را در هم می‌کوبند، در بند می‌کنند، به زندان می‌اندازند، به خاک و خون می‌کشند و می‌خواهند از هر طریق ممکن موقعیت خویش را حفظ کنند؛ اما مستضعفان به امید رسیدن به روزی خوش - روزی که به خواسته‌های مشروع خود برسند - زندگی را بر حاکمان ستمگر، سخت و تلخ ساخته و مسیر تاریخ را عوض کرده‌اند. سیاه پوست آمریکایی و آفریقایی قیام کرده حقوق خود را می‌طلبند. مردم اندونزی، الجزایر و ایران بپا خواسته استعمار و استعمارگران را طرد می‌کنند و به حیات آنها خاتمه می‌دهند و فلسطینی‌ها به انتفاضه خود ادامه می‌دهند.

آرزوی به زیستن و داشتن زندگی آرام، با زندگی بشر عجین بوده و در طول تاریخ،



از آن جدا نشده است. او همواره، به فکر چنان روزی بوده و آنی از این اندیشه، جدا نشده است؛ گرچه هنوز در ایجاد چنان زندگی مطلوب و ایده آل خود، موفقیتی نداشته است.

رؤیای مزبور در زندگی انسان، به گونه‌های مختلفی تبلور یافته و اندیشمندان هر عصری، برای تعبیر شدن آن، چاره‌ها اندیشیده و آن را در قالب «مدینه فاضله» مطرح کرده‌اند که در آن از نابسامانی و دغدغه‌های جوامع موجود، اثر و نشانی نباشد. از مدینه فاضله افلاطونی گرفته تا مدینه فاضله فارابی، و از مدینه فاضله کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های تخیلی و بهشت موعود آنان، گرفته تا مدینه فاضله عصر روشنگری و انسان‌مداری ... آنها به خیال خود بشر را از قید و بند دین و آداب و تکالیف دینی آزاد نموده و انسان را محور همه چیز قرار داده‌اند و دین و مذهب انسانیت را پایه‌گذاری کرده‌اند.

اما «مدینه فاضله موعود» اسلام - که در قرآن و روایات وعده تحقق آن داده شده - غیر از این مدینه‌های فاضله‌ای است که دیگران مطرح کرده‌اند؛ زیرا ویژگی‌های مدینه فاضله اسلامی - که در عصر حکومت حضرت مهدی (عج) تحقق پیدا خواهد کرد - به گونه‌ای است که آن را از سایر مدینه‌های فاضله پیشنهادی دیگران، ممتاز می‌سازد. در این مقاله نخست به آینده جهان از دیدگاه اسلام اشاره می‌شود؛ سپس ویژگی‌های عصر ظهور و مدینه فاضله اسلام بیان می‌گردد.

### الف) آینده جهان در دیدگاه اسلام

اوضاع آشفته و اسفناک جهان، مردم را به وحشت انداخته و جنگ‌های سرد و گرم، مسابقه تسلیحاتی، صف آراییی قدرتمندان و ... جهانیان را خسته و فرسوده کرده است. تولید و تکثیر سلاح‌های جنگی، نسل بشر را تهدید به نابودی می‌کند، و خودسری و طغیان غارت‌گران بین‌المللی، ملل عقب‌نگاه داشته شده را از تمام شوون زندگی ساقط ساخته است.

محرومیت روز افزون طبقه ضعیف، استمداد گرسنگان جهان و گسترش فقر و

بی‌کاری، وجدان‌های زنده و دل‌های حساس را پریشان نموده است. تنزل اخلاق انسان‌ها، بی‌رغبتی نسبت به امور دینی، روی‌گردانی از قوانین الهی، افراط در مادی‌گری و رونق یافتن مظاهر فساد و شهوت پرستی، روشن‌بینان و آگاهان جهان را مضطرب کرده است.

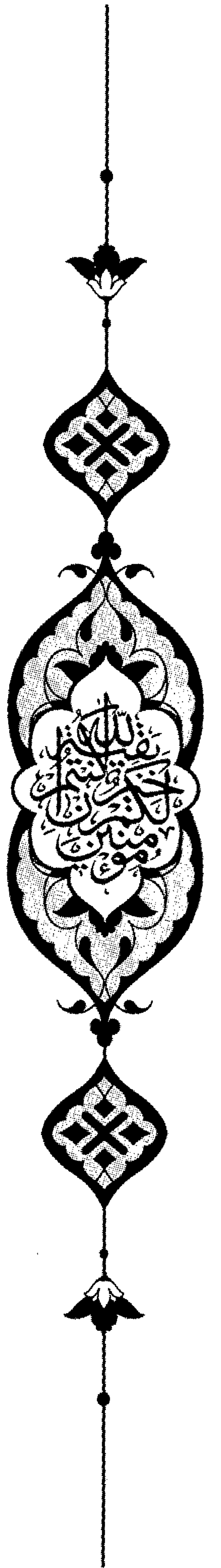
این اوضاع خیرخواهان، عاقبت اندیشان و اصلاح طلبان را سرگردان نموده و زنگ سقوط انسانیت در گوش آنان طنین انداخته است و آنان را نسبت به اوضاع آینده جهان بدبین کرده است. آنان از عواقب وخیم و سرنوشت خطرناک آن به خود می‌لرزند و از حلّ مشکل جهان اظهار عجز می‌کنند.

در این میان مسلمانان آگاه - به ویژه شیعیان - از یأس و نومیدی دوری گزیده و به عاقبت و سرنوشت بشر خوشبین‌اند. آنان در انتظار روز موعود اسلام و مدینه فاضله آن، روز شماری می‌کنند و عاقبت کار را از آن مردم نیک کردار می‌دانند. ایشان معتقداند که از قوانین موضوعه و سازمان‌های پر زرق و برق بین‌المللی، کاری ساخته نیست. آن مدینه فاضله و عصر درخشانی که در آن بشر به سعادت و کمال لایق خویش می‌رسد. حاکمیت در آن زمان، از آن امام معصوم است که از خطا، اشتباه و غرض ورزی منزّه و پاک است. این همان روزی است که قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بشریت را مأمور به انتظار چنان روزی نموده و دستور ایجاد زمینه و آمادگی از هر جهت را به بشریت داده‌اند. این عقیده نشأت گرفته از آیات قرآن و روایات متواتر قطعی از طریق اهل بیت علیهم‌السلام است.

## انتظار در آیات و روایات:

### ● آیات:

۱. «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ، وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۲</sup> موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی کنید، به تحقیق که زمین از آن خدا است؛ به هر کس از بندگانش بخواهد منتقل می‌فرماید و حسن عاقبت از آن پرهیزکاران است.»



۲. «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ»<sup>۳</sup> و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده بودند خاورهای زمین و باخترهای آن را که مبارک گردانیده بودیم، و تمام گردید کلمه و وعده نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل به سبب آن که صبر کردند، و ویران ساختیم آنچه را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که افراشته بودند.

۳. «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»<sup>۴</sup> بلکه حق را به شدت بر باطل افکنیم، پس حق باطل را در هم می شکند، آن گاه از میان می رود.

۴. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مِتْمٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۵</sup> می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و خداوند تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید.

۵. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۶</sup> همانا در زبور پس از ذکر (تورات)، نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته به ارث می برند.

۶. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۷</sup> ما اراده کردیم که بر آنان که در زمین استضعاف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین و ملک و جاه گردانیم.

۷. «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۸</sup> همانا عهد ما درباره بندگان که به رسالت فرستادیم، سبقت گرفته است که البته آنها بر کافران فتح و پیروزی یابند و قطعاً سپاهیان ما غالب اند.

۸. «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»<sup>۹</sup> و خداوند می خواست که صدق سخنان حق را ثابت گردانیده و ریشه کافران را از بیخ بن برکند.

۹. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>۱۰</sup> خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که ایمان آورده و نیکوکار گردد [به این که] در زمین خلافت دهد.

۱۰. «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۱۱</sup> همانا حزب خدا پیروز است.

۱۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»<sup>۱۲</sup> او است خدا که

رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد.



## ● روایات:

۱. حضرت علی علیه السلام فرمود: لَتَعَطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلَدِهَا وَتَلِي عَقِيبَ ذَلِكَ وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ؛<sup>۱۳</sup> دنیا پس از چموشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش ننگه می‌دارد - به ما روی می‌آورد...  
[پس حضرت آیه شریفه را قرائت کرد].

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا؛<sup>۱۴</sup> رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خداوند بر می‌انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد.»

۳. «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ؛<sup>۱۵</sup> امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: البته برای ما دولتی است که وقتی خداوند خواست، آن را می‌آورد. هر کس شاد می‌شود که از اصحاب قائم باشد باید منتظر باشد و باید کار به پارسایی و اخلاق نیک کند و چنین کسی منتظر است.»

روایات در این رابطه بسیار است که نیاز به نقل همه آنها نیست.

طبق این آیات و روایات خداوند، وعده تشکیل حکومت واحد جهانی، بسط و غلبه دین اسلام بر کلیه ادیان، زمامداری صالحان و شایستگان پیروزی حزب الله و غلبه لشکریان خدا بر جنود شیطان را داده است. البته این وعده تا کنون محقق نشده است و در روایات نیز، گفته شده که این موضوع در عصر ظهور مهدی علیه السلام واقع خواهد شد. از این رو شیعه و آگاهان از اهل سنت، به چنان روزی معتقد شده و انتظار آن را می‌کشند و کلام رسول خدا (أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ)<sup>۱۶</sup> را مربوط به آن عصر و انتظار آن مدینه فاضله می‌دانند.

بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت، آینده جهان، روشن و امید بخش است؛ هرچند که امروزه تیره و تاریک می‌باشد. از این رو ما به امید روزی نشسته‌ایم که



حاکمیت در آن، مخصوص ولیّ معصوم خدا و قوانین جاری در آن، مبتنی بر احکام الهی باشد، عدل و علم گسترش یافته و برادری و برابری در جامعه حاکم گردد. ظلم، ستم، جهل، تیرگی، کینه توزی و خونریزی در آن ریشه کن گردد و از اختلافات و وجود طبقات برتر و فروتر و استکبار و استضعاف در آن، خبری نباشد.

### ب) ویژگی‌های عصر ظهور (مدینه فاضله اسلامی)

مدینه فاضله اسلامی - که در عصر ظهور به دست مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنا می شود - ویژگی‌ها و خصایصی دارد که آن را از سایر مدینه‌های بیان شده، ممتاز و جدا می سازد؛ که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می شود:

#### حاکم در عصر ظهور

پیشرفت‌ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب بی جا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی) است. او فقط وابسته به خدا است و به همه ملت‌ها، جمعیت‌ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می کند و فرقی بین اقوام و قبایل قائل نیست. بین سیاه و سفید، آسیایی و آمریکایی و اروپایی و آفریقایی فرقی نمی گذارد و به همه با دید یکسان می نگرد؛ در حالی که رهبران دیگر دنیا چنین نیستند، و عالی ترین همت آنان، استثمار دیگران و هضم یک جامعه در جامعه قوی تر و کوشش برای یک ملت است. آنها می خواهند ملّتی را فدای ملت دیگر کنند و ذخایر طبیعی ملت ضعیف را به نفع ملت خود تصاحب نمایند.

اما رهبران الهی چون وابسته به جمعیت خاصی نبوده و خود را وابسته به خدایی می دانند که خالق و رازق همه است، هدفشان آسایش عمومی، آزادی گسترده و تشکیل یک سازمان عالی الهی است که در سایه آن، بشر مانند افراد یک خانواده زندگی کنند و سفید و سیاه باهم برادر و برابر باشند.

آری سرانجام اداره امور جهان، در کف با کفایت صالح ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و به برکت وجود آن حاکم معصوم الهی، بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات

یافته، از ترس فقر، پریشانی، ناامنی‌های گوناگون و بی‌عدالتی‌ها آزاد خواهد شد. اینک که عالم به سوی یک آینده درخشان، تکامل روحانی و عقلانی، نظام مستحکم دینی و الهی، عصر صلح و صفا و برادری و همکاری، پیش می‌رود. ما نیز به امید آن عصر نورانی، با نشاط فراوان و دلی زنده پا برجا ایستاده و انجام وظیفه می‌کنیم و تنها آرزوی ما، زندگی در پناه حکومت آن راد مرد عالم بشریت حضرت مهدی (عج) است.

## ۲. حکومت در عصر ظهور

حکومتی که در مدینه فاضله اسلامی و در عصر حاکمیت امام مهدی (عج) مستقر خواهد شد، در تمام جهات با حکومت‌های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ شباهتی با حکومت‌های موجود در عالم ندارد: نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیا کننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است. اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می‌شود. اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش بینی کرده و در حدودی که وظیفه تشریح است، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به آماده شدن زمینه کامل آن کرده است. اساساً حفظ یک انسان کامل به عنوان ولی الله الاعظم و نگه‌داری آن در پشت پرده غیبت، برای تشکیل



چنان حکومت واحد جهانی است؛ زیرا تشکیل چنان حکومتی، از عهده انسان‌های عادی خارج است.

### ۳. عدل در عصر ظهور

در اسلام، مسأله عدل، از روز نخست در تمام زمینه‌ها مورد توجه و عنایت بوده است؛ از بُعد عقیدتی و دینی گرفته تا بُعد فقهی و اجتماعی، از قرآن و سنت بر می‌آید که عدل و مظاهر آن، پسندیده و موجب خشنودی حضرت حق است؛ اما قدر و منزلت آن، به علت گستردگی و اقامه آن در سطح وسیع اجتماعی است؛ یعنی، مردم آن قدر به رشد معنوی و کمال روحی نایل گردند که تمام افراد یا حداقل اکثر آنان، خواهان عدل باشند و خود عملاً آن را به اجرا گذارند.

پیامبران الهی، در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند؛ نه آن که به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».<sup>۱۷</sup> از این آیه استفاده می‌شود که پیامبران می‌خواستند، مردم را طوری تربیت کنند تا خود، قیام به قسط نمایند و عدل را بر پا دارند؛ لذا فرمود: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» و فرمود: «لِيَقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» تا معنایش این باشد که پیامبران به عنوان حاکم عادل، مانند سایر زمامداران عادل، مردم را با نیروی نظامی و انتظامی و قدرت‌های اجرایی، به رعایت عدل وا دارند؛ زیرا فرق است بین این که حاکمی خود عادل باشد و بخواهد در حکومت او عدل اجرا شود و به کسی ستم نگردد و بین آن که مردم در جامعه، از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه عدل نمایند و بفهمند که عدل برتر از ظلم است و در آنان کششی نسبت به ظلم نباشد.

به هر حال در اسلام و تعالیم الهی، عدل از جایگاه رفیعی برخوردار است تا جایی که همه انسان‌ها مأمور شده‌اند در تمام زمینه‌های زندگی خود - در اصول و



فروع، در نظام اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و نظامی، در گفتار و کردار و... عدالت را مراعات کنند: «إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»<sup>۱۸</sup> عدالت ورزید که عدالت به تقوا نزدیک تر است».

و «إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا»<sup>۱۹</sup> وقتی سخن گفتید به عدالت سخن گوید».

و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»<sup>۲۰</sup> خدای متعال به عدل و احسان امر می کند».

و «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ لَا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»<sup>۲۱</sup>...».

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

«مَنْ لَمْ يَحْمِدْ عَدْلًا وَلَمْ يَذُمَّ جَوْرًا فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ تَعَالَىٰ بِالْمُحَارَبَةِ»<sup>۲۲</sup> هر کس عدل را تمجید نکند و

از جور و بیداد مذمت ننماید، به جنگ با خدای تعالی برخاسته است».

آیات و روایات درباره شرافت، عظمت و اهمیت «عدالت» به قدری زیاد است که از گنجایش این نوشتار خارج است.

بنابراین کلمه عدل، واژه غریبی نیست؛ اما حقیقتی قریب هم نیست. بشر در طول تاریخ زندگی خود، همواره منتظر بوده که روزی، این خواب تعبیر شود و عدل در جوامع بشری حاکم گردد. انسان‌های بسیاری نیز با اندیشه عدل و عدالت خواهی، به فکر تعبیر این رؤیای شیرین بشری بر آمده و تلاش بسیار کرده‌اند؛ اما تلاش آنان در بیشتر موارد کم ثمر یا بی ثمر مانده و عدالت در معنای حقیقی آن، همچنان در عالم رؤیا باقی مانده است. وه چقدر سخت است تعبیر نشدن این رؤیای شیرین و دلپذیر! رؤیایی که تمامی اجزای وجود انسان، در طول تاریخ، با آن عجین بوده و نگاه پُر انتظار او، در تعبیر آن خسته و کم سو گشته است.

با همه این احوال، هیچ گاه آرزوی تعبیر شدن این رؤیا، در اعماق دل و جان انسان‌ها به یأس و ناامیدی تبدیل نشده است؛ اما هر چه بر شماره اوراق تاریخ افزون می‌گردد، از شماره انتظار ما کاسته می‌شود و این همان چراغ امید است که قرن‌ها در دل انسان‌ها، به عشق آمدن آن منجی، روشن و فروزان است. به عشق او که نامش «عدل» است: «السَّلَامُ عَلَى الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ» و «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ»<sup>۲۳</sup> دو چیز از شاخصه‌های اصلی حکومت او است: ۱. حکومت واحد



جهانی که تنها او است که چنین حکومتی را ایجاد می‌کند.

۲. عدل جهانی که تنها در جامعه‌ای که او تشکیل می‌دهد و خود در رأس آن قرار می‌گیرد، عدل با تمام ابعادش گسترده می‌شود. همان‌گونه که حکومت او جهانی است، عدل او نیز گسترده و جهانی است و در روایات، این شاخصه از سایر شاخصه‌های دیگر حکومت حضرت مهدی (عج)، بارزتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

رسول خدا در حدیثی فرمود: «أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَّازِلٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ...»؛<sup>۲۴</sup>

مژده می‌دهم شما را به مهدی که او در امت من، به هنگام اختلاف و سختی‌ها برانگیخته می‌شود. پس زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد؛ همان طوری که از جور و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند و...».

بنابراین در مدینه فاضله اسلامی و در عصر ظهور آن منجی عالم، عمدتاً از عدل و قسط سخن به میان می‌آید. دامنه عدالت او تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه، گسترده می‌شود. عدالت همانند گرما و سرما در درون خانه‌های مردمان نفوذ می‌کند و مأمّن و مسکن وجود آنان را سامان می‌بخشد.<sup>۲۵</sup> در حکومت آن حضرت هیچ ویژگی به اندازه «عدل و قسط»، برجستگی و روشنی ندارد و مردم آن حضرت را عمدتاً از عدل او می‌شناسند و الآن نیز آنچه در اولین لحظه از نام مبارک او در ذهن خطور می‌کند، عدل او است.

#### ۴. علم در عصر ظهور

عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است، و مدینه فاضله اسلامی، شهر علم و دانش است. با آمدن منجی عالم، همان‌گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می‌سپارد، و نابسامانی‌های اجتماعی به سامان



می‌گراید؛ جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می‌دهد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می‌شود. علوم و دانش‌هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده‌ها مکنون مانده بود، ابراز می‌گردد و مرز دانایی و یادگیری تا سراپرده منازل و اعماق وجود تک‌تک انسان‌ها، گسترش می‌یابد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمًا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعَشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبِيْتُهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛<sup>۲۶</sup> علم و دانش ۲۷ حرف است و ۲۷ شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند. ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد».

این حدیث به روشنی، جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی (عج) را مشخص می‌سازد؛ یعنی، تحوّل و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی علوم و دانش‌هایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است، پیش می‌آید و درهای تمامی رشته‌ها و شاخه‌های علوم مفید و سازنده، به روی انسان‌ها گشوده می‌شود و راهی را که بشر طی هزاران سال پیموده، به میزان بیش از دوازده برابر آن در اندک زمانی پیموده می‌شود.

حضرت امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «إِذَا قَامَ قَائِمًا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ؛<sup>۲۷</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می‌کند».

بدین ترتیب، در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی (عج) و در زیر دست عنایت او، مغزها در مسیر کمال به حرکت در می‌آید و اندیشه‌ها شکوفا می‌شوند. کوتاه بینی‌ها، تنگ‌نظری‌ها و افکار پست و پلید - که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای خشونت‌آمیز اجتماعی است - برطرف می‌گردد. مردمی بلند نظر، با



افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همّتی والا و بینشی وسیع، پرورش می‌یابند، لذا هر ۲۷ حرف علم پیاده می‌شود.

### ۵. ارتباطات در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت جهش علمی و پیشرفت فنّ آوری و صنعت، وسایل ارتباطات و اطلاعات آن قدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست نشان می‌دهد و برای آگاهی به اقصی نقاط کشور، نیازی به وسایل و ابزار ارتباطی امروزی نیست. از این رو حکومت مرکزی، نسبت به کل عالم - که تحت حکومت واحد او هستند - تسلّط کامل دارد و به موقع و بدون فوت وقت، وارد عمل شده، مشکل را حل می‌کند و هرگونه توطئه و فساد را در نطفه خفه می‌سازد. بین امام مهدی (عج) و مردم، نامه‌رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه‌ای از کره زمین، امام را مشاهده می‌کنند و امام با آنان سخن می‌گوید. این مسأله، اختصاص به امام و رعیت ندارد؛ بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می‌گویند و همدیگر را مشاهده می‌کنند، در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب آن است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ عليه السلام بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛<sup>۲۸</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنان و آن حضرت (رهبر و پیشوایان) نامه‌رسان نخواهد بود، با آنها سخن می‌گوید و آنان سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است [و مردم در نقاط دیگر جهان].»

وسایل انتقال صدا و تصویر، به طور همگانی، ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می‌گیرد؛ آن چنان که چیزی به نام اداره پست در آن عصر، چیز زایدی به حساب می‌آید و مسائل جاری آن حکومت، بدون نیاز به کاغذ بازی، حل و فصل می‌شود؛ زیرا همه دستورها و برنامه‌ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می‌شود.

امام صادق علیه السلام، در گفتار دیگری این حقیقت را به طور بارزی تکمیل فرموده



است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ»<sup>۲۹</sup> مؤمن در زمان حضرت مهدی (عج) در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می بیند و همچنین کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق مشاهده می کند».

بنابراین ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت؛ بلکه در میان عموم نیز عملی می شود. در این زمان پیوندهای ظاهری، جسمانی و معنوی دلها را استحکام می بخشد، به گونه ای که جهان به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده در می آیند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِذَا تَنَاهَتِ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلُّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفِضَ لَهُ كُلُّ مَرْتَفِعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا»<sup>۳۰</sup> وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت [حضرت مهدی علیه السلام] برسد، خداوند هر نقطه فرورفته ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می برد. آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی بیند؟»

طبق این حدیث در عصر ظهور، یک سیستم نیرومند و مجهز، برای انتقال تصویرها به وجود خواهد آمد که شاید تصوّر آن امروزه برای ما مشکل باشد. تمام جهان به منزله کف دست خواهد شد و پستی و بلندی های زمین، مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد بود. البته بدون یک چنین سلطه اطلاعاتی و ارتباطی بر تمام کره زمین، حکومت واحد جهانی و صلح، امنیت و عدالت به طور همه جانبه، امکان پذیر نخواهد بود. برای اداره چنان حکومتی، امکانات زیادی لازم است که خداوند آنها را در اختیار او و تشکیلاتش قرار می دهد.

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ حَتَّى أَنَّهُ يَبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبٌ فَيَقْتُلُهُ حَتَّى أَنْ أَحَدَكُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ»<sup>۳۱</sup> حضرت مهدی (عج) از این جهت مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان هدایت می شود، تا آن جا که گاه او به سراغ کسی می فرستد که مردم او را بی گناه دانسته و به قتل می رساند [زیرا از گناه



نهانی او همانند قتل نفس که موجب قصاص است آگاه است] و تا آن جا که برخی از مردم هنگامی که درون خانه خود سخن می‌گویند، می‌ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد».

این حدیث نیز گواه آن است که در آن عصر، نیکان و پاکان در نهایت آزادی به سر می‌برند؛ خلافکاران چنان تحت کنترل‌اند که ممکن است امواج صوتی آنان، با وسایل پیشرفته‌ای از دیوار خانه‌هایشان باز گرفته شود و به هنگام لزوم، می‌توان فهمید که آنها در درون خانه چه گفته‌اند؟!

گفتنی است که این پیشرفت‌های عظیم، محصول تکامل علمی عصر بعد از ظهور است، نه اعجاز؛ زیرا زندگی بشر در این عالم، باید مطابق سنت‌های طبیعی باشد؛ نه اعجازی که امری استثنایی و برای موارد ضروری و فوق العاده است، آن هم در مسیر اثبات حقانیت دعوت نبوت یا امامت.

### ۶. رفاه و آسایش در عصر ظهور

مدینه فاضله اسلامی، در حقیقت آرمان شهر آسایش و رفاه همگانی است. رفاه و تنعم به گونه‌ای خواهد بود که دیگر نیازمندی در سطح جامعه یافت نمی‌شود؛ چون توزیع عادلانه منابع و ثروت جایی برای فقر و طبقه ضعیف باقی نمی‌گذارد. در آن جامعه، مانند جوامع کنونی عمل نمی‌شود که بیش از هشتاد درصد ثروت، در دست کمتر از بیست درصد و بیست درصد آن در دست هشتاد درصد مردم باشد و در نتیجه طبقه مرفه و فقیر پیدا شود.

به علاوه در آن عصر، به جهت اجرای عدالت، نه آسمان از ریزش برکات خود بر مردم دریغ می‌ورزد و نه زمین امساک می‌کند؛ بلکه هرچه دارند در اختیار بشر قرار می‌دهند. از این رو در شهر عدالت که حقوق انسان‌ها محور توجه و برنامه ریزی است، بالطبع بذر این توجه، محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از موهبت‌های الهی را در پی خواهد داشت. این موضوع در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی تبیین شده است:

«إِنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يُعْمَرُهُ؛<sup>۳۲</sup>

حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و گنج‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند؛ مگر این که آن را آباد خواهد ساخت.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَأَمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بَرَكَاتِهَا وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا لِيَبْرَهُ لِسُمُولِ الْغَنِيِّ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ...»<sup>۳۳</sup> وقتی که قائم قیام کند، حکومت را براساس عدالت قرار می‌دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود و جاده‌ها در پرتو وجودش، امن و امان می‌گردد، و زمین برکاتش را خارج می‌سازد و هر حقی به صاحبش می‌رسد، و در میان مردم، همانند داود و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حکم و داوری می‌کند. در این هنگام زمین گنج‌هایش را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد....»

بیان ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج‌ها، نشان می‌دهد که هم مسأله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می‌رسد و هم تمام منابع زیرزمینی، کشف و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در آمد سرانه افراد، آن قدر بالا می‌رود که در هیچ جامعه‌ای، فقری پیدا نمی‌شود و همه به سر حد بی‌نیازی و خود کفایی می‌رسند. امام علی علیه السلام فرمود: «يُزْرَعُ الْإِنْسَانُ مُدًّا، يُخْرَجُ لَهُ سَبْعِمِائَةَ مُدًّا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ؛»<sup>۳۴</sup> [در عصر حضرت مهدی] انسان یک مُد می‌کارد و هفتصد مُد برداشت می‌کند، چنان که مضمون آیه شریفه قرآن است.»

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «وَيُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ إِفْلَاحًا كَبِدِهَا وَيَحْتَوِي الْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدًّا؛»<sup>۳۵</sup> زمین در آن عصر قطعات کبد خود را برای او بیرون می‌فرستد و او ثروت بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می‌کند.»

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سُكَّانُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ يُقَسِّمُ الْمَالَ صَحَاحًا فَقَالَ رَجُلٌ مَا مَعْنَى صَحَاحًا؟ قَالَ: بِالتَّسْوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ، وَيَمَلَأُ قُلُوبَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ غِنًى وَيَسَعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ: مَنْ لَهُ بِالْمَالِ

حَاجَةً فَلَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ ثُمَّ يَأْمُرُ لَهُ بِالْمَالِ فَيَأْخُذُ ثُمَّ يَنْدِمُ وَيَرُدُّ؛<sup>۳۶</sup> شمارا به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم که زمین را پر از عدالت می‌کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است. ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به طور صحیح تقسیم می‌کند. شخصی پرسید تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی در میان مردم تقسیم شود و دل‌های پیروان محمد را پر از بی‌نیازی کند و عدالتش همه را فراگیرد، تا آن جا که دستور دهد کسی با صدای بلند صدا زند که هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد. هیچ کس جز یک نفر بر نمی‌خیزد، سپس امام دستور می‌دهد مال قابل ملاحظه‌ای به او بدهند؛ اما او به زودی پشیمان می‌شود که چرا آزمند و حریص بوده است و مال را بر می‌گرداند».

#### ۷. سفر به فضا در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت وسایل فوق مدرنی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، سفر به فضا و کرات بالا، همانند سفرهای زمینی امری عادی خواهد شد. البته روایات این باب، سفر به آسمان‌ها را برای خود آن حضرت می‌دانند؛ لکن ظاهراً وضع آن زمان، به گونه‌ای خواهد بود که سفر به آسمان‌ها همانند سفر از قاره‌ای به قاره دیگر در عصر ما بوده و امکانات سفر به فضا، در اختیار همه قرار خواهد گرفت؛ یعنی، زندگی بر روی زمین در آن مدینه فاضله، وارد مرحله جدیدی خواهد شد که به طور کلی با وضعیت گذشته فرق دارد. همان گونه که امروزه بشر به پیشرفت‌هایی در صنایع و نرم‌افزار دست یافته که اگر در گذشته گفته می‌شد، پذیرش آن تنها از طریق اعجاز مورد قبول واقع می‌شد. از این رو پیشرفت‌های آن عصر برای مردم امروز ما، به آسانی قابل قبول نیست و عده‌ای هم آن را از باب اعجاز حضرت مهدی (عج) قبول می‌کنند.

امام باقر علیه السلام در همین رابطه می‌فرماید: «ذُخِرَ لِصَاحِبِكُمُ الصَّعْبُ، قُلْتُ: وَمَا الصَّعْبُ؟ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَصَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ، فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ، أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَيَرْقِي فِي الْأَسْبَابِ الْأَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ؛<sup>۳۷</sup> برای صاحب و سرور شما حضرت مهدی علیه السلام آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی می‌گوید: گفتیم: منظور از وسیله سرکش چیست؟





امام فرمود: ابری است که در آن غرّش رعد و شدّت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می‌شود، آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌شود و به آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه صعود می‌کند».

مسئلاً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ چون ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد؛ زیرا آنها در جوّ زمین در حرکت‌اند و با زمین فاصله چندانی ندارند و نمی‌توانند از آن بالاتر روند. پس منظور وسیله فوق العاده سریعی است که در آسمان، به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد و غرّشی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه دارد. به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق العاده خود، می‌شکافد و به پیش می‌رود و می‌تواند تا هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند.

بدین ترتیب، آن وسیله‌ای فوق مدرن بوده و شبیه آن در وسایل کنونی وجود ندارد و از تصوّر ما بیرون است.

#### ۸. امنیت و سلامت در عصر ظهور

از جمله نیازهای اساسی بشر - که در هرّم نیازهای وی جایگاه ویژه‌ای دارد - امنیت است. این نیاز در ابعاد مختلف تجلی می‌یابد: امنیت اخلاقی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و... از روایات ظهور استفاده می‌شود، که مدینه فاضله اسلامی، شهر امن و سلام است؛ آن هم در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن. قرآن کریم به انسان‌ها و مؤمنان مستضعف، وعده چنین شهر امن و سلامت را داده و فرموده است: «زندگی شما پس از خوف تبدیل به امن می‌گردد»؛ ولی تاکنون چنین امنیتی برای بشر در عالم تحقق پیدا نکرده است. و ائمه اطهار علیهم‌السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: منظور، عصر ظهور حضرت مهدی آل محمد است.

قرآن می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ، وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» ۳۸.

در این آیه، سه وعده صریح به مؤمنان وارسته داده شده است:

● استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت در زمین به عنوان نمایندگی از خدا،  
(حکومت حق و عدل)؛

● تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمامی عرصه‌های  
زندگی؛

● تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی، بر طرف شدن تمامی عوامل ترس و ناامنی و  
جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه روی زمین.

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «هُمُ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ  
عَلَى يَدَي رَجُلٍ مِنَّا وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ»<sup>۳۹</sup> این گروه به خدا قسم همان پیروان ما هستند که خداوند  
به وسیله مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ...»<sup>۴۰</sup> این آیه در شأن قائم آل محمد  
و اصحاب او نازل شده است.

از این رو، می‌گوییم مدینه فاضله عصر ظهور، همان مدینه امن و سلامت مورد  
وعده آیه یاد شده است.

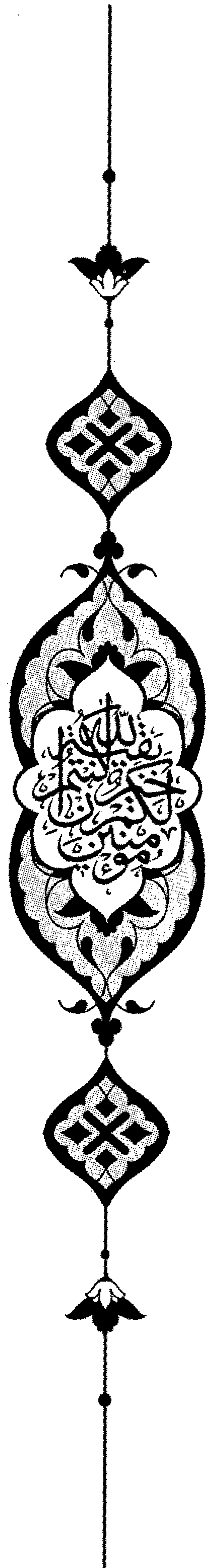
### ۹. تربیت در عصر ظهور

بشر در چندین قرن اخیر، برای آسایش تن، هر چه فرمول اقتصادی و سیاسی و  
هر چه امکانات علمی و تکنیکی در اختیار داشته، به استخدام در آورده است تا  
شاید بتواند آسایش این جهانی انسان را بدو بازگرداند. حال آن که او، پس از این  
همه تلاش، هیچ گونه آرامشی در خود نمی‌یابد. جهان را تنگ و تاریک و سرد  
می‌بیند و در آن احساس حقارت و پوچی می‌کند و این حالت به اعتقاد منتقدان  
درون این نظام (انسان محوری و انسان‌مداری)، جز به نابودی انسان نمی‌انجامد.

اما در مدینه فاضله اسلامی، تنها سخن از آسایش تن و وفور ثروت و رفاه مادی  
نیست؛ بلکه در تصویر مهندسان این مدینه فاضله، انسان موجودی است دارای  
ابعاد مختلف که تکامل و رشد او در گرو رشد متوازن تمامی آن ابعاد است. مدینه  
فاضله و بهشت زمینی موعود، تحقق نمی‌یابد؛ مگر آن که بارقه‌ای از آسمان در آن

حلول کند. تربیت و پرورش روح انسان‌ها و توجه به اخلاق و فضایل معنوی - که از اساسی‌ترین برنامه‌های ظهور است - در همین راستا معنا می‌یابد. مدینه فاضله در عین این که شهر عدالت است، شهر رفاه، امنیت، تربیت، سجایا و فضایل انسانی نیز هست. در آن محیط، انسان‌های صالح تربیت می‌یابند تا جامعه‌ای آرمانی و صالح بنا نهند. انسان‌ها علاوه بر دستیابی به غنای مالی، از غنای قلبی و روحی نیز بهره‌مند خواهند شد و در کنار اتمام نعمت و وفور ثروت، به اِکمال اخلاق و فضیلت‌های انسانی نیز راه خواهند یافت. کینه‌های اخلاقی از قلب‌ها ریشه کن می‌گردد. دروغ، تزویر و نامردمی، در روابط اجتماعی، جای خود را به یک رویی و یک رنگی می‌بخشد. در واقع، در چنین بستری رفاه و عدالت و امنیت نیز معنا پیدا می‌کند و حقیقت خویش را باز می‌یابد. جز با این نگرش همه جانبه به انسان و در کنار هم چیدن اجزای حقیقی او نمی‌توان به تعبیر رؤیای همیشگی انسان در تأسیس مدینه فاضله انسانی دست یافت.<sup>۴۱</sup>

به هر حال ویژگی‌های آن مدینه فاضله، بیش از آن است که در یک مقال بگنجد؛ ولی به جهت پرهیز از اطالۀ کلام، بیان سایر ویژگی‌های آن به وقت دیگری موکول می‌شود.





## پی‌نوشت‌ها:

۱. تذکر: گرچه بعضی از آیات مربوط به امم گذشته مثل قوم موسی علیهم‌السلام است ولی اهل فن می‌دانند که مورد منحصص نیست و آیه عام است و مربوط به امت اسلام نیز هست.
۲. اعراف، آیه ۱۲۸.
۳. همان، آیه ۱۳۷.
۴. انبیاء، آیه ۲۱.
۵. صف، آیه ۸.
۶. نساء، آیه ۱۰۵.
۷. قصص، آیه ۵.
۸. صافات، آیات ۱۷۱ - ۱۷۳.
۹. انفال، آیه ۷.
۱۰. نور، آیه ۵۵.
۱۱. مجادله، آیه ۲۱.
۱۲. توبه، آیه ۳۳ و فتح، آیه ۲۸.
۱۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹، صبحی صالح.
۱۴. منتخب‌الاثر، فصل ۲، باب ۱، ح ۴، ص ۱۴۲.
۱۵. همان، فصل ۱۰، باب ۲، ح ۹، ص ۴۹۱.
۱۶. همان، ح ۳۶.
۱۷. سوره حدید، ۲۵.
۱۸. مائده، آیه ۸.
۱۹. انعام، آیه ۱۵۲.
۲۰. نحل، آیه ۹۰.
۲۱. مائده، آیه ۸.
۲۲. اسدالغابه، ج ۴، ص ۴۰۸.
۲۳. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
۲۴. معجم‌الاحادیث الامام‌المهدی، جلد ۱، ص ۹۲.
۲۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
۲۶. همان، ص ۳۳۶.
۲۷. همان، ص ۳۲۸.
۲۸. منتخب‌الاثر، ص ۴۸۳.
۲۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.
۳۰. همان، ص ۳۲۸.
۳۱. همان، ص ۳۹۰.
۳۲. منتخب‌الاثر، ص ۴۸۲.
۳۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
۳۴. عقد الدرر، فصل ۷، ص ۲۱۱.
۳۵. منتخب‌الاثر، ص ۱۶۸.
۳۶. معجم‌الاحادیث الامام‌المهدی، ج ۱، ص ۹۵.
۳۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.
۳۸. نور، آیه ۵۵.
۳۹. مجمع‌البیان، ذیل آیه شریفه.
۴۰. تفسیر برهان ذیل آیه ۵۵؛ نور و کتاب الغیبه، ص ۲۴۰.
۴۱. مجله حوزه شماره ۷۰ و ۷۱، ص ۷-۱۷۶، مقاله مهدویت و مدینه فاضله.

